

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولادیمیر استپانویچ نیکیتین / (Vladimir Stepanovich Nikitin)

برگردان و توضیحات داخل [...] ابراهیم شیری

۱۴ فبروری ۲۰۲۴

تصویر دنیای معاصر در پرتو کرونوپلیتیک

(۳)



در مورد نقطه عطف در تکامل اجتماعی بشریت

از منظر قوانین توسعه اجتماعی موارد زیر اتفاق می‌افتد. هموطن ما الکساندر زینوویف، فیلسوف مشهور جهان در اثر علمی خود بنام «عامل تفاهم» خاطر نشان کرد که «در نیمه دوم قرن بیستم، یک تحول کیفی در تکامل اجتماعی بشر رخ داد که جوهر آن، اولاً در گذار از عصر جوامع (گروه‌ها و ملت‌ها) به عصر ابر جوامع (ساختارها و تمدن‌های فراملی) و ثانیاً، در تبدیل روند تاریخی از خودانگیختگی و غیرقابل کنترل به طرح‌ریزی و قابل کنترل نهفته است». در قرن بیست و یکم، تکامل اجتماعی بشریت با گذشتن از مراحل قومیت، ملت و تمدن، به مرحله جهانی شدن، یعنی مرحله توسعه بشریت به عنوان یک کل وارد شد. دوره برخورد تمام تمدن‌ها و طبقات جهانی برای حق مدیریت توسعه بیشتر بشریت طبق پروژه خود آغاز شده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعه معاصر این است که توسعه سریع علم، انقلاب چهارم صنعتی، گذار از عصر صنعتی به عصر اطلاعات، رقومی شدن تمام حوزه‌های زندگی، رشد بی‌سابقه فضای مصنوعی در طبیعت و تطبیق سریع هوش مصنوعی به ایجاد یک دنیای مجازی قدرتمند منجر شده است که دنیای واقعی را به طور فزاینده مبهم و به تابعیت خود درمی‌آورد. این امر کل ساختار جامعه انسانی و حوزه‌های زندگی آن، از جمله، تفکر انسان را به طرز کیفی تغییر داده است. اصل «هستی آگاهی را تعیین می‌کند»، مشخصه دنیای واقعی، که مارکسیسم بر آن استوار است،

در دنیای مجازی کاربرد ندارد. در آن، آگاهی مردم توسط مناظر روی صفحه تلویزیون یا تصاویر پوسترها که معماران فعلی جهان ایجاد کرده و به افراد ساده لوح نشان می‌دهند، مشخص می‌شود. آن‌ها کیستند؟ در مقایسه با عصر صنعتی که مشخصه آن تقابل بین بورژوازی و پرولتاریا و برتری سرمایه صنعتی بود، در ابرجامعه مدرن، ساختار طبقاتی در حد قابل ملاحظه‌ای تغییر کرده و پیچیده‌تر شده است. منحصر به فرد بودن ابرجامعه در این واقعیت نهفته است که در آن، همراه با پرولتاریا، که در قرن بیست و یکم چیزی برای از دست دادن به جز زنجیرهای خود نداشت، طبقه تحقیرشده‌تری بنام پریکاریات در آن ظاهر شده است. این طبقه براحتی از طریق فناوری دیجیتال [رقومی] کنترل می‌شود و نیروی محرکه بسیاری از انقلاب‌های رنگی است. گای استندینگ، جامعه‌شناس انگلیس، در کار علمی خود با عنوان «پریکاریات - طبقه خطرناک جدید» این موضوع را به تفصیل شرح داده است.

پریکاریات، ناشهروند بی‌قرار در جامعه‌شناسی و اقتصاد، به نوعی **طبقه اجتماعی** گفته می‌شود که از افراد بی‌ثبات و ناپایدار (از نظر وضعیت شغلی و معیشتی) تشکیل شده است. این بی‌ثباتی، تزلزل و مخاطره، شرط **وجود** و هستی این طبقه است و سبب فقدان امکان **بیش‌بینی** و **امنیت** مادی یا روانی برای اعضای آن خواهد شد. این اصطلاح یک **تکوانه** **چند وجهی** است که با ادغام اصطلاحات متزلزل و پرمخاطره با **پرولتاریا** به دست می‌آید. خلاف طبقه پرولتاریای کارگران صنعتی در قرن بیستم که فاقد وسایل تولید خود بودند و از این رو، نیروی کار خود را برای ادامه زندگی به فروش می‌رساندند، مشکل اعضای پریکاریات نه فقط گرفتاری و درگیری مربوط به کار است، بلکه آن‌ها مجبورند وظایف بسیار زیادی را برای دسترسی به شغل و درآمد مناسب انجام دهند. وظایف و فعالیت‌هایی بدون مزد و پاداش که برای حفظ حیات و کار آن‌ها بسیار ضروری و اساسی محسوب می‌شود. به عنوان مثال، آن‌ها باید برای پیدا کردن **کار موقت** (با حقوق زیر خط فقر و بدون مزایا) در یک کارگاه، در حاشیه شهر به هر زحمتی که شده جا و مکانی برای استراحت و تجدید قوا پیدا کنند و با هر وسیله نقلیه ممکن خود را سر ساعت به کارگاه برسانند. پریکاریات‌ها هر لحظه، اضطراب بدی کار و موقت بودن آن، مشکلات مسکن، ایاب و ذهاب، گرانی سوخت، تورم و ... را دارند. به‌ویژه، مواردی از قبیل اشتغال نامنظم و بی‌کاری به عدم امنیت شغلی می‌انجامد و در نتیجه، پریکاریات (وجود متزلزل و ناپایدار) ایجاد می‌شود. ظهور این طبقه به تبعات **سرمایه‌داری** نئولیبرال نسبت داده شده است. نقل به واسطه مترجم **از این نشانی**].

درک این نکته حائز اهمیت است که در ابرجامعه مدرن سرمایه نه، بلکه، ابرسرمایه غالب است. ابرسرمایه، سرمایه صنعتی نیست، بلکه سرمایه سوداگرانه مالی است و آن بر «مکانیسم پولی» در قالب نظام بانکی و مؤسسات مالی دولت‌ها مسلط است و از این «اختاپوس بانکی» به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت بر جامعه و ابرجامعه استفاده می‌کند. به عقیده فیلسوف الکساندر زینوویف، ابرسرمایه برای تسلط خود یک ابراقتصاد بر اقتصاد، یک ابرایدنولوژی بر ایدنولوژی و یک ابردولت بر دولت ایجاد می‌کند.

هدف ابرسرمایه. عبارت است از تضمین تسلط خود بر جهان از طریق ارتقاء پول به مرتبه خدائی و سلطه پول بر تولید کالا، بردگی پولی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، سرقت از کارفرمایان و کارگران از راه بیگانه کردن مردم با واقعیت و مجبور کردن آن‌ها به زندگی در دنیای مجازی که توسط سفته‌بازان مالی، با ایمان به ارزش‌های ساختگی ایجاد شده است. این رباخواران جهانی دالر امریکا را که فدرال رزرو ایالات متحده، یعنی یک شرکت خصوصی می‌تواند به میزان نامحدود چاپ کند، به ارزش کاذب اصلی تبدیل کرده‌اند و با این «کاغذ شکلات‌های رنگی» طلای واقعی، الماس، نفت، گاز و سایر ثروت‌های طبیعی، تجهیزات و مواد غذایی مردم فریب‌خورده را تاراج می‌کنند.

برای مقابله با این مشکل زمان در عصر معاصر، به تعریف گنّادی زیوگائف «امپریالیسم مالی»، دانش «سرمایه» مارکس و رویکرد طبقاتی قدیمی دیگر کافی نیست. درک ابرسرمایه به یک رویکرد سوپر طبقه نیاز دارد. درک این نکته مهم است که ابرسرمایه فقط تا حدی به عنوان سرمایه عمل می‌کند و قبل از هر چیز، نه بر اساس محاسبات اقتصادی، بلکه بر پایه محاسبات حفظ سلطه خود بر جامعه و بر کل بشریت حرکت می‌کند. این «مکانیسم پولی» نه به روش سرمایه‌داری، بلکه به شیوه فئودالی، از «انسان» تابع خود به شکل کارمزد خدمات و بهره و ام‌ها خراج می‌گیرد. ابرسرمایه در مقابل شکل کلاسیک سرمایه‌داری، یعنی «پول-کالا-پول»، انگلی‌ترین شکل حرکت یعنی «پول-پول» را انتخاب کرده است. به لطف تلاش رباخواران جهان، بازار جهانی اکنون به یک مجموعه سوداگرانه تبدیل شده است. به نفع تولید کالا و بهبودی معیارهای زندگی مردم عمل نمی‌کند. آن تمایل چندانی به کالای «نیروی کار» ندارد. الیگارش‌ها عمدتاً به حساب اقتصاد جنائی، سرقت از منابع معدنی و سوداگری زندگی می‌کنند. بازار مدرن جهانی به نفع تأمین نیازها و جاه‌طلبی‌های قدرت رباخواران جهان و اطرافیان آن‌ها عمل می‌کند. و آن‌ها برای تسلط بر جهان، برای تحمیل حاکمیت خود بر کل بشریت، تلاش می‌کنند طبق پروژه اولتراجهانی خود، جنگ وحشیانه و بی‌رحمانه به راه اندازند.

درباره پروژه‌های جهانی کردن بشریت

اکنون در سطح تمدنی-جهانبینی، مبارزه شدیدی بین سه پروژه برای جهانی کردن بشریت در جریان است. دو مورد از آن‌ها پروژه‌های جهانی‌سازی به سبک امریکائی و مورد دیگر، پروژه جهانی‌سازی به سبک چینی است. جهانی‌سازی به سبک امریکائی شامل پروژه اولترا جهانی‌گرایان (ابرسرمایه) و پروژه سرمایه‌داران جهانی است. هر دوی آن‌ها بر انسان‌محوری غربی، یعنی بر جهان‌بینی سلطه بر جهان مبتنی هستند. اما یک تفاوت بین آن‌ها وجود دارد. اولتراجهانی‌گرایان آینده بشریت را به‌عنوان یک واحد یکنواخت، به عنوان جوامع فاقد دولت‌ها و مردمان مستقل، پر از ربات‌های زیستی، که تحت کنترل یک دولت جهانی به نخبگان ممتاز خدمت می‌کنند، تعریف می‌کنند. این، بازگشت از سرمایه‌داری به برده‌داری و فئودالیسم در دور جدید تاریخ است. این بردگی بدهی و الکترونیک و همچنین توتالیتریسم رقومی است که امکان نگه داشتن هر ربات زیستی به شکل انسانی را تحت کنترل الکترونیکی فراهم می‌کند. ویژگی بارز پروژه اولتراکلوبالیستی این است که رباخواران جهان (ابرسرمایه‌داران) مردم کره زمین را نه در مسیر توسعه بشریت به عنوان یک ارگانیزم اجتماعی زنده و معنوی، بلکه در مسیر تبدیل آن به یک مکانیسم اجتماعی هدایت می‌کنند. ابرسرمایه برای دستیابی به این هدف در قرن بیست و یکم، به کار هدفمند برای «بی‌انسانی کردن انسان» دست می‌زند. در انسان، اصل و نسب، کار و عقل را هدفمندانه از بین می‌برد. برای این منظور، نه جامعه آگاه و دانا، بلکه جامعه مصرف‌کننده است که به سرعت شکل می‌گیرد. و در نهایت، برای خلاص شدن از شر زیاده‌خواران، اولتراجهانی‌گرایان نیاز جنسی را از معنای طبیعی واقعی آن، یعنی تداوم نسل بشر، از طریق حمایت تهاجمی از اقلیت‌های جنسی و ازدواج همجنس‌گرایان جدا می‌کنند. این نقض آشکار قوانین کیهان است. به این ترتیب، اولتراجهانی‌گرایان جهش انبوه انسان‌های خردمند را به انسان درنده، وحشی از عطش سود و به ربات زیستی تحریک می‌کنند. ارتباط ناگسستگی آن‌ها باعث نابودی سیاره و نابودی بشریت ساکن آن می‌شود.

سرمایه‌داران جهانی‌گرا [گلوبالیست] نیز همان ایده سلطه بر جهان را در سر دارند. از نظر آن‌ها، آینده بشریت دنیای سرمایه‌داری تحت کنترل امریکا است که محض خاطر شکوفائی امریکا تحت قوانین استعماری زندگی می‌کند.

جهانی‌سازی به روش چینی مبتنی بر جهان‌بینی هارمونی جهانی است. این نگرش، بشریت را به عنوان وحدت تنوع تعریف نموده و به جای جنگ، همکاری تمدن‌ها و همزیستی مسالمت‌آمیز نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی را ترویج می‌کند.

ادامه دارد